

امام مهدي (عج) و آخر الزمان



تأليف:

آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



پیشگفتار

اصطلاح "آخر الزمان" در همه ادیان آسمانی ، بویژه ادیان ابراهیمی (یعنی: اسلام، مسیحیت و آئین یهود) آمده است. در عصر حاضر ، برخی از نهادهای تبلیغی و فرهنگی تأثیرگذار در مغرب زمین مانند هالیوود نیز، به طرح موضوع "آخر الزمان" از نگاهی دیگر که گاهی جنبه اسطوره ای دارد، پرداخته اند. به عنوان مثال، در فیلمهای "بازگشت مومیایی"، "عقرب شاه" و "ارباب حلقه ها" (The Lord of the Rings) با چنین جهت گیری اسطوره ای و یا تبلیغاتی ساخته شده اند. در این فیلمها، نقش مثبت منجی به یک فرد غربی تعلق دارد که در برابر افرادی که نقش منفی را دارند و نوعا از مسلمانان خاور میانه یا شرق آسیا مثل چینی ها هستند، قرار می گیرد و در پایان داستان، آن فرد غربی پیروز می شود و همه افراد طرف مقابل، شکست می خورند و یا نابود می گردند. این دیدگاه هالیوودی، یک منظره اسطوره ای و خیالی را عرضه می کند و هدف از آن، در فرض مثبت، تأمین سرگرمی و تفریح برای مردم و کسب سود مادی برای تهیه کنندگان است، و در فرض منفی، تبلیغات سوء بر علیه مسلمانان و شرقی ها می باشد. اما اصطلاح "آخر الزمان" از دیدگاه ادیان آسمانی، به برهه ای از تاریخ بشر بر روی زمین گفته می شود که به عنوان آخرین دوره از زمان زندگانی انسان ها بر روی زمین محسوب می گردد. قرآن مجید در سوره "الواقعة"، مردم را به دو دسته "اولین" و "آخرین" تقسیم می کند و چنین می فرماید:

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ «49» لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ «50»

یعنی: بگو: اولین و آخرین از مردم، در روز میقات معین، گرد هم خواهند آمد.

برداشت برخی از دانشمندان این است که بخش دوم، اشاره به مردمان "آخر الزمان" می باشد.

در قرآن مجید، 324 آیه پیرامون موضوع "آخر الزمان" و حوادث آن دوران، به چشم می خورد که در پرتو روایات اسلامی، به عنوان آیات "مهدویت" تفسیر یا تأویل گردیده است.

در دیگر ادیان آسمانی نیز، این مسأله مورد تاکید قرار گرفته که به نمونه هایی از آن که در کتاب "پیشوایان راستین" آورده ایم، اشاره می نمایم:

دیدگاه مسیحیت

با مراجعه به منابع اصلی آئین مسیحیت، اعتقاد پیروان این دین به آخر الزمان و ظهور منجی و رهایی بخش جهانی در این دوران، به خوبی روشن می گردد.

به عنوان مثال، در انجیل متی چنین می خوانیم:

"همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را بینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می آید... و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اریعه از کران تا بکران فلك فراهم خواهند آورد... لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می آید". (انجیل متی، باب 24).

همچنین، در منبع یادشده به نشانه های مردم آخر الزمان، پیش از ظهور منجی جهانی، چنین اشاره شده است:

"و این را بدان که اوقات سخت در زمان آخر پدید خواهد آمد، زیرا که مردمان خود پرست خواهند بود و طمعکار و مغرور و متکبر و کفرگو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی‌دین، و بی‌الفت و بی‌وفا و خبث کننده و بی‌پرهیز و بی‌حلم و با خوبان بی‌اعتنا، و خائن و کم‌حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می‌دهند...". (انجیل، نامه دوم پولس به تیموتاؤس، باب سوم).

در همان منبع، چنین می‌خوانیم:

"اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست، و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند، به قسمی که شبان می‌شمارند و از بزها جدا می‌کند". (انجیل متی، باب 25).
نظیر این آیات، در انجیل‌های مرقس، باب 13، و انجیل لوقا، باب 21 نیز آمده است.

همانطور که ملاحظه فرمودید، منجی جهانی که در آخرالزمان خواهد آمد، در این منابع مسیحی به عنوان "پسر انسان" نامیده شده است.

"هاکس" در کتاب "قاموس کتاب مقدس" می‌گوید:

واژه "پسر انسان"، هشتاد مرتبه در عهد جدید (انجیل) آمده است، که در سی مورد، بر حضرت عیسی (ع) مطابقت می‌کند، و در پنجاه مورد دیگر، بر فرد دیگری (غیر از عیسی مسیح) که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد، منطبق می‌باشد.

دیدگاه یهود

در ابواب مختلف عهد عتیق (تورات) ، پیرامون نجات بخش جهان در آخر الزمان، سخن به میان آمده است.

به عنوان نمونه، در کتاب دانیال نبی، چنین می خوانیم:

"در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آنزمان هر يك از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد.

و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنانی به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند، مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.

اما تو ای دانیال، کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن . بسیاری بسرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید". (کتاب دانیال نبی، باب 12).

در این آیات از تورات، رهایی بخش جهان به عنوان میکائیل و امیر عظیم نامیده شده است که در آخر الزمان می آید و دنیا را از ظلم و ستم می رهند.

در کتاب مزامیر داوود (ع) هم چنین آمده است:

"آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نماید. صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند

نمود به حضور خداوند، زیرا که می آید، زیرا که برای داور جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داور خواهد کرد و قوم ها را به امانت خود". (مزامیر داوود، مزمور شماره 96).

این آیات از عهد عتیق نیز، به خوبی بر آمدن سلطنت الهی و ظهور منجی جهانی که پیدایش او موجب شادی همه ارکان گیتی می گردد و عالم را با عدل و انصاف رهبری می کند، دلالت دارد.

دیدگاه آئین زرتشتی

یکی از مهمترین اسناد دینی آئین زرتشتی، کتاب جاماسبنامه است. در این سند تاریخی و مذهبی، آمدن منجی بشریت در آخر الزمان، با صراحت بیان گردیده است.

به عنوان مثال، در صفحه 121 این کتاب، چنین می خوانیم:

"سوشیانس (نجات دهنده بزرگ)، دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند."

همچنین در کتاب "زند و هومن سین" در زمینه نشانه های آن رهایی بخش جهانی، چنین آمده است:

"پیش از ظهور سوشیانس، پیمان شکنی و دروغ و بی دینی در جهان رواج می یابد و مردم از خدا دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می گردد، و این امور نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته، زمینه را برای ظهور نجات دهنده مساعد می گرداند. حوادثی که مصادف با ظهور می شود عبارتست از علامات شگفت انگیزی که در آسمان پدید می آید، و دال بر آمدن خردشهر ایزد می باشد، و فرشتگان از شرق و

غرب به فرمان وی فرستاده می شوند و به همه دنیا پیام می فرستند. اما اشخاص شرور او را انکار می کنند و تکذیب می نمایند و نگهبانان پیروزگر آسمانها و زمینها در برابر او سر فرود می آورند".

دیدگاه آئین هندو

بشارت آمدن منجی موعود، در کتابهای مختلف هندوها نیز به روشنی آمده است.

به عنوان مثال، در کتاب "باسک"، چنین می خوانیم:

"دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد و به راستی حق با او باشد و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را بدست آورد و از آسمان و زمین آنچه باشد، خبر می دهد و از او بزرگتر کسی بدینا نیاید".

همچنین در کتاب "پاتیکل" ، چنین آمده است:

"چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان که یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر؛ یعنی وصی بزرگتر وی که نام او "پشن" است . و نام آن صاحب ملک ، "راهنما" است. او بحق پادشاه شود و خلیفه "رام" (خدا) باشد و حکم براند و او را معجزات بسیار باشد".

دیدگاه مذهب برهمایی

از نظر پیروان این مذهب نیز، نجاتبخش جهان که به عنوان مظهر "ویشنو" (خدای برهمائیان) است، ظهور خواهد کرد و ریشه ظلم و ستم را بر خواهد کند.

در کتاب "اوپانیشاد" چنین آمده است:

"این مظهر ویشنو، مظهر دهم در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شریران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد".

همچنین در کتاب "ددانگ" ، چنین می خوانیم:

"دست حق در آید و جانشین آخر "متاطا" ظهور کند و شرق و غرب عالم را بگیرد، در همه جا خلائق را هدایت کند".

دیدگاه آئین بودایی

از نظر این مکتب ، فردی که بودای پنجم و آخرین بودا ، نامیده می شود، برای نجات بشریت در آخر الزمان ظهور خواهد کرد. یاد آور می شود که لقب "بودا" به معنای آگاه بر همه چیز است.

این موضوع در کتابهای مقدس بودائیان مانند کتاب "داماپاد" و کتاب "پی تاکاس" آمده است.

آخر الزمان از دیدگاه اسلام

ظهور منجی عالم بشریت در آخر الزمان، مسأله ای است که دانشمندان بزرگ اهل تشیع و اهل تسنن بر حتمی بودن آن اتفاق نظر دارند.

قرآن مجید در این زمینه چنین می فرماید:

"و نريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين". (سوره قصص، آیه 5).

یعنی: ما اراده کرده ایم تا بر مستضعفان منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم.

علاوه بر آیات فراوانی که در این زمینه نازل گردیده است، روایات صحیح و متواتری از پیامبر گرامی اسلام (ص) توسط دانشمندان و محدثان شیعه و سنی نقل شده است که نمونه ای از آنها را از نظر گرامی شما می گذرانیم:

"لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً". (صحیح ابی داوود، طبع مصر، المطبعة التازیه، ج 2، ص 207 و ینابیع المودّة، ص 432 و نورالابصار، ب 2، ص 154).

یعنی: اگر از روزگار، بجز يك روز باقی نماند، همانا خداوند مردی از خاندان من برمی انگیزد تا جهان را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ستم گردیده است.

بر اساس آنچه بیان گردید، به روشنی معلوم می گردد که اعتقاد به آخر الزمان و حوادث این دوره پر رمز و راز و ظهور مصلح جهانی، مورد اتفاق صاحبان شرایع آئین های جهانی است.

در پایان این بخش، شایسته است به این نکته نیز اشاره کنیم که مباحث این نوشتار در باره آخر الزمان بر گرد دو محور اصلی به شرح ذیل، می چرخد که ما هر یک از آنها را در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم:

1. مباحث مربوط به دوره ای از آخر الزمان که پیش از ظهور امام مهدی (علیه السلام) قرار دارد. در این بخش، نشانه های ظهور آن حضرت را به طور فشرده از نظر گرامی شما می گذرانیم.

2. مباحث مربوط به عصر ظهور آن حضرت. این بخش، شامل عناوینی مانند شخصیت امام زمان، کیفیت قیام آن حضرت، چگونگی پیروزی ایشان بر استکبار جهانی، تشکیل حکومت جهانی عدالت گستر، دوره حکومت آن حضرت، و پایان دولت مهدوی خواهد بود.

نشانه های ظهور امام مهدی (عج)

با بررسی احادیث اسلامی روشن می گردد که مقصود از علامات آخر الزمان، نشانه هایی است که به هنگام نزدیک شدن زمان ظهور منجی عالم، بروز می نماید و آمدن آن نجات بخش جهانی را نوید می دهد.

برخی از این نشانه ها در منابع اهل سنت به عنوان "اشراط الساعة" تعبیر شده اند. زیرا بعضی از دانشمندان، این علامات را نشانه های نزدیک بودن قیامت هم دانسته اند.

اینک، برخی از نشانه های آخر الزمان را به طور فشرده، از نظر شما می گذرانیم:

1. دین گریزی و دین ستیزی

با بررسی مجموعه ای از روایات اسلامی به این نتیجه می رسیم که یکی از نشانه های آخر الزمان و نزدیک بودن ظهور منجی جهانی، غوطه ور شدن عموم مردم در مادیات و مظاهر دنیوی و در نتیجه، بروز بحران معنویت در جوامع بشری می باشد.

دلیل بروز این بحران سهمگین، دین گریزی مردم و دین ستیزی سران حکومت هاست.

از یکسو، عامه مردم به خاطر فرورفتن در باتلاق دنیا، نسبت به ارزشهای معنوی و کمالات روحانی، بی رغبت می گردند، و از سوی دیگر، سردمداران حکومتهای ظالم به دلیل ماهیت ظلم ستیزانه ادیان الهی، به مبارزه بر علیه شرایع آسمانی بر می خیزند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در این زمینه چنین می فرماید:

"سَيَاتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَلَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ يَعْمُهُمُ اللَّهُ مِنْهُ يَعْقَابُ قَيْدَعُوتهُ دُعَاءَ الْعَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ". (کتاب الکافی، نوشته کلینی، جلد 8، حدیث 476؛ و کتاب ثواب الأعمال، نوشته شیخ صدوق).

یعنی: به زودی زمانی برای امت من فرا می رسد که به خاطر طمع در دنیا، باطن مردم پلید می گردد و ظاهر آنان زیبا. آنان به آنچه در نزد خداوند است تمایل ندارند. دین آنان به ریا آلوده است و خوفی از خدا ندارند. آنگاه خداوند، بلاها را بر آنان نازل می کند، و آنان مانند غرق شدگان در دریا دعا می کنند، ولی دعایشان مستجاب نمی گردد.

البته در این دوران پر آشوب، گروه اقلیتی خواهند بود که علیرغم فضای آلوده و بحران معنویت سراسری، آنان سعی می کنند خود را از غوغای فتنه ها در امان نگاه دارند و در پرتو آیات قرآن و روایات اسلامی، بر ایمان و اعتقادات قلبی خود بیفزایند.

رسول خدا (ص) در حدیثی زیبا، به علی ابن ابیطالب (ع) در باره این گروه، چنین می فرماید:

"يا علي، أعجب الناس إيماناً و أعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حُجِبَ عنهم الحجة، فأمنوا بسواد علي بياض". (کتاب کمال الدین، نوشته شیخ صدوق، جلد 1، باب 25؛ و کتاب من لا یحضره الفقیه، نوشته همان نویسنده، جلد 4).

یعنی: ای علی، عجیب ترین مردم از نظر ایمان، و عظیم ترین آنان از حیث یقین، مردمانی هستند که در آخر الزمان زندگی می کنند و پیامبر خود را ندیده اند و امام آنان نیز غائب است، و آنان به سیاهی که بر سفیدی است (یعنی نوشتارهای کتب اسلامی) ایمان دارند.

2. جنگ های جهانی

نشانه دیگر آخر الزمان که بر نزدیک بودن زمان ظهور نجاتبخش عالم دلالت دارد، وقوع نبردهای خونین در مقیاس جهانی است که بخش عظیمی از زمین را فرا می گیرد.

بر مبنای روایتی که نعمانی در کتاب الغیبة بیان کرده است، امام هشتم (ع) چنین می فرماید:

"پیش از ظهور امام زمان علیه السلام، جنگهای پیاپی و مداوم، رخ خواهد داد".

3. گسترش ظلم

یکی از مشهورترین نشانه های آخر الزمان، رواج ستم، و سیطره ستمگران در جوامع بشری می باشد.

امام محمد باقر (ع) در حدیثی چنین می فرماید:

"مهدی علیه السلام هنگامی قیام می کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد". (کتاب الملاحم ، نوشته ابن طاووس).

همچنین، امام باقر (ع) در حدیثی دیگر، گسترش نا امنی را در آخر الزمان مورد اشاره قرار می دهد و چنین می فرماید:

"لا یقوم القائم إلا علی خوف شدید". (کتاب الغیبه ، نوشته نعمانی).

یعنی: امام مهدی (ع) ظهور نمی کند، مگر در دورانی که بیم و هراس بر جهان حاکم باشد.

4. فروپاشی اجتماعی

یکی از علامات آخر الزمان، انحطاط اخلاقی عامه مردم است که به فروپاشی اجتماعی منتهی می شود.

مظاهر این انحطاط اخلاقی عبارتند از :

- از بین رفتن عاطفه و محبت
- از هم پاشیدن کانون های خانواده
- از بین رفتن ارزش های فرهنگی و اخلاقی

امام صادق (ع) در این زمینه چنین می فرماید:

"... وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غِشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شَرِبَ مُسْكِرٍ كَثِيبًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمُرِهِ...". (الكافی، ج 8).

یعنی: مردی را می بینی که اگر يك روز بر او بگذرد و گناه بزرگی انجام نداده باشد - از قبیل فحشا، کم فروشی، کلاهبرداری و یا شرابخواری - بسیار غمگین و اندوهناک می شود."

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز چنین می فرماید:

"كَيْفَ يَكُمُ إِذَا قَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَقَسَقَ شَبَابُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. قِيلَ لَهُ وَيَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ...". (تحف العقول، نوشته حرّانی).

یعنی: چگونه می شود حال شما هنگامی که زنان شما فاسد شوند و جوانا شما فاسق گردند و شما نه امر به معروف می کنید و نه نهی از منکر؟. به ایشان عرض کردند: آیا این چنین خواهد شد؟ آن حضرت فرمود: "آری، و بدتر از آن".

پیامبر اسلام (ص) در باره فروپاشی اخلاقی در این دوران، چنین می فرماید:

"فلا الكبير يرحم الصغير و لا القوي يرحم الضعيف ، و حينئذ يأذن الله له بالخروج". (بحار الانوار، جلد 52).

یعنی: در آن دوران، بزرگترها به کوچکترها ترحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام خداوند به او (یعنی امام مهدی علیه السلام) اذن قیام می دهد."

5. غربت اسلام در جوامع مسلمان

از روایات اسلامی در این زمینه چنین استفاده می شود که در آخر الزمان، جوهر حقیقی اسلام از جوامع اسلامی زدوده می گردد و محتوای واقعی قرآن مجید، از میان مسلمانان رخت بر می بندد و تنها قالبی میان تهی از اسلام و قرآن در جامعه های اسلامی باقی می ماند.

امام علی (ع) در این باره چنین می فرماید:

"أَيُّهَا النَّاسُ، سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ يَمًا فِيهِ". (نهج البلاغه، خطبه 103).

یعنی: ای مردم! به زودی زمانی خواهد رسید که اسلام چونان ظرف واژگون شده، تهی می گردد".

مقصود آن حضرت این است که در آن برهه از زمان، حقیقت و گوهر دین از میان مردم مسلمان، رخت بر می بندد و مسلمانان تنها به اسم، مسلمان نامیده می شوند.

پیامبر گرامی (ص) نیز چنین می فرماید:

"سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ... مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى". (کتاب ثواب الاعمال، نوشته شیخ صدوق).

یعنی: به زودی زمانی برای امت من خواهد رسید که از قرآن جز نقش آن، و از اسلام جز نام آن باقی نماند ... مساجدشان آباد است؛ ولی از هدایت خالی است".

6. مرگهای ناگهانی

یکی از نشانه های دیگری که در برخی روایات به آن اشاره شده است، گسترش مرگهای دفعی و ناگهانی است.

رسول خدا (ص) در این باره چنین می فرماید:
"قیامت برپا نمی گردد، تا این که مرگ سفید ظاهر شود . گفتند : ای پیامبر خدا! مرگ سفید چیست ؟ آن حضرت فرمود : مرگ ناگهانی".
(کتاب الفائق، نوشته رکن الدین ابن ملاحمی، جلد 1).

سخن پیامبر گرامی اسلام (ص)

در پایان این بخش از بحث، روایتی از رسول خد (ص) را از نظر شما می گذرانیم که به برخی از نشانه های آخر الزمان اشاره دارد:
"عبدالله ابن عباس " می گوید:
"در حجة الوداع با پیامبر اسلام (ص) مشغول انجام مناسک حج بودیم، حضرت حلقه در کعبه را گرفتند و رو به ما کردند و فرمودند:
"آیا می خواهید شما را از نشانه ها و حوادث پیش از قیامت (اشراط الساعة) خبردار کنم؟
سلمان که از همه به ایشان نزدیکتر ایستاده بود، گفت: بلی یا رسول الله.

پیامبر (ص) فرمودند:

یکی از آن علامات، تباه کردن نمازها و تبعیت از شهوت ها، متمایل شدن به هواهای نفسانی، تکریم و بزرگداشت ثروتمندان و مالپرستان و فروختن دین به قیمت دنیاست. در این زمان است که قلب مؤمن در درونش همانند نمک در آب حل می شود؛ زیرا منکرات و کاستی ها را می بیند و قدرت تغییر آن ها را ندارد.
سلمان گفت: آیا واقعا چنین خواهد شد؟

پیامبر (ص) فرمود: ای سلمان، قسم به آنکه جانم در دست اوست، آری. و در آن موقع ولایت امور به دست حاکمان و امیران ستمگر و وزیران فاسق و معتمدان و مسئولان ستمکار و امناء خائن می افتد.

سلمان گفت: آیا واقعا چنین روزی خواهد آمد؟ پیامبر (ص) فرمود: قسم به آنکه جانم در دست اوست آری. در آن زمان است که به دنبال این حوادث اقوامی بر آنها والی می شوند که اگر حرفی بزنند آن ها را می کشند و اگر ساکت بمانند غارتشان می کنند تا اینکه از اموالشان بهره مند شوند و به حریمشان تجاوز کنند و حرمتشان را شکسته و خونشان را بریزند . دل های آنان از ترس و خوف پر گشته و آن ها را جز درحالت بیم و هراس نمی بینی.

سلمان عرض کرد: آیا واقعا چنین روزی خواهد آمد؟ رسول خدا (ص) فرمود: قسم به آنکه جانم به قبضه قدرت اوست، آری. در آن زمان است که منکرات و انحرافات، معروف و پسندیده؛ و اعمال شایسته، منکر و ناپسند شمرده می شود. شخص خائن، معتمد و شخص امین، خائن خوانده شود. دروغگو را تائید و راستگو را تکذیب می کنند.

سلمان عرض کرد: آیا واقعا چنین خواهد شد؟ پیامبر (ص) فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان است که چیزهایی از شرق و غرب می آید و امت مرا گوناگون و رنگارنگ می کند. نه به کوچکترها ترحم می کنند و نه به بزرگترها احترام می گذارند. از خطاکاران گذشت نمی کنند. بدزهباشان بدن انسان و قلب هایشان قلب شیطان است". (به نقل از کتاب منتخب الأثر، نوشته آیه الله صافی، با تلخیص).

اهل نجات در آخر الزمان

آنچه بیان شد، حال اکثریت و عامه مردم در آخر الزمان است. اما بر مبنای روایات اسلامی، اقلیتی از مردم مؤمن و آگاه و با وجدان در آخر الزمان باقی می مانند که در عین حال که در منجلاب جهانی

فساد و تباهی زندگی می کنند، دارای حیاتی طیبه و ایمانی نیرومند و دلی پاک می باشند.

امیر مؤمنان (ع) در باره این گروه اهل نجات، چنین می فرماید:
"وَذَلِكَ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ نُومَةٍ، «إِنْ شَهِدَ لَمْ يُعْرِفْ، وَ إِنْ غَابَ لَمْ يُفْتَقَدْ، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى، وَ أَعْلَامُ السَّرَى، لَيْسُوا بِالْمَسَابِيحِ، وَ لَا الْمَذَابِيحِ الْبُذْرُ، أُولَئِكَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ وَ يَكْشِفُ عَنْهُمْ صَرَآءَ نِقْمَتِهِ". (نهج البلاغه، خطبه 103).

یعنی: در آن زمان، از فتنه‌ها نجات نمی‌یابد مگر مؤمنانی که بی‌نام و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند و اگر غایب گردند، کسی سراغ آنان را نمی‌گیرد. آنها در شب ظلمانی، چراغهای هدایت و آیات روشنایی هستند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه‌انگیز. نه در پی اشاعه فحش‌آیند و نه مردمی سفیه و بیهوده گو. اینان هستند که خداوند درهای رحمتش را به سوی آنان باز می‌فرماید و سختی‌ها و بلاها را از آنان برطرف می‌سازد.

7. ظهور دَجَّال

واژه "دَجَل" در زبان عربی به معنای دروغ‌گویی و فریبکاری آمده است. عمل کسی را که روی فلز کم ارزشی مانند مس یا مانند آن آب طلا می‌مالد تا شبیه طلا شود هم "دَجَل" می‌گویند. زیرا با این کار، موجب فریب دیگران می‌گردد.

بنا بر این، "دَجَّال" شخص یا پدیده‌ای است که دروغ می‌گوید و با مکر و حيله، موجب فریفتن مردم می‌شود. این واژه در شعر و ادب فارسی هم بدین معنا به کار برده شده است.
به عنوان مثال، حافظ در غزل ذیل، چنین می‌گوید:

بیا که رایت منصور پادشاه رسید
نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت
کمال عدل، به فریاد داد خواه رسید

سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد
جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید

ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن
قوافل دل و دانش که مرد راه رسید

عزیز مصر به رغم برادران غیور
ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل
بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

سنایی نیز در این زمینه چنین می گوید:

از سر بی حرمتی معروف، منکر کرده اند	ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده اند
چشم عبرت کور و گوش زیرکی کر کرده اند	در سماع و پند اندر دین و در آیات حق
زان که اهل فسق از هر گوشه سر بر کرده اند	کار و جاه سروران شرع در پای اوفتاد
یک جهان دجال عالم سوز سر بر کرده اند	ای دریغا مهدی کامروز در هر گوشه ای

کلمه "دجال" در کتابهای ادیان گوناگون، بویژه در منابع مسیحی و اسلامی، آمده است.

در اینجا ابتدا به بررسی این واژه از دیدگاه مسیحیت می پردازیم و آنگاه، نظر مکتب اسلام را در این خصوص، از نظر شما می گذرانیم.

دجال در منابع مسیحیت

در متون کهن آئین مسیحیت، به کلمه "Mšīḥā Daggālā" که به معنای "مسیح دروغین" یا "مسیح دجال" و یا "ضد مسیح" (*antichrists*) آمده است برخورد می کنیم. هر یک از واژگان یادشده در زبانی خاص مانند سریانی، یونانی، انگلیسی و عربی، اشاره به فردی دروغگو و متقلب و فریبکار است که از دیدگاه مسیحیان، در آخر الزمان ظهور می کند و با تعلیمات آسمانی حضرت مسیح به مبارزه بر می خیزد.

به عنوان مثال، در نامه اول یوحنا از کتاب انجیل، به موارد ذیل، اشاره شده است:

"دروغگو چه کسی است جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند. او همان دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید".

"شنیده اید که دجال می آید، هم اکنون نیز، دجال های بسیار ظاهر شده اند و از اینرو می دانم که ساعت آخر است".

"هر روحی که عیسی مجسم را انکار کند از خدا نیست، و آن روح دجال است که شنیده اید که او خواهد آمد و هم اکنون نیز در جهان است".

از سخنان آقای "هاکس"، نویسنده کتاب قاموس مقدّس، چنین بر می آید که از دیدگاه انجیل شناسان، واژه "دجال" به عنوان نام خاص برای شخص معینی نیست، بلکه عنوانی کلی برای افراد دغل باز و فریبکار و دروغگو می باشد که در هر زمانی وجود دارند،

و نمونه بارز آن در آخر الزمان ظهور خواهد کرد. بر اساس متون دینی آئین مسیحیت، دجال آخر الزمان، سر انجام به فرمان عیسی مسیح (ع) نابود خواهد شد.

دجال در منابع اسلامی

بخش مهمی از احادیث در خصوص دجال، در منابع روایی اهل سنت و آورده شده و در این روایات، ظهور این پدیده، به عنوان یکی از نشانه های قیامت دانسته شده است. برخی از این احادیث را در جلد چهارم از کتاب "سنن ترمذی"؛ و کتاب "صحیح مسلم" (باب نشانه های پیش از قیامت)؛ و جلد چهارم کتاب "سنن ابوداود"؛ و جلد اول و چهارم کتاب "صحیح بخاری" و امثال آنها، می تواند مشاهده کرد.

اما در منابع روایی اهل تشیع، تعداد اندکی از احادیث پیرامون دجال آمده است که از دیدگاه سند و دلالت، دارای ابهام می باشد. اما در منابع روایی اهل تشیع، تعداد اندکی از احادیث پیرامون دجال آمده است که از دیدگاه سند و دلالت، دارای ابهام می باشد. در اینجا به عنوان نمونه، برخی از احادیث معروف را در این زمینه از نظر شما می گذرانیم:

بر اساس روایتی که در بخش "ما جاء في الدجال" از کتاب "سنن ترمذی" نقل شده است، پیامبر گرامی اسلام می فرماید:
"انه لم یکن نبی بعد نوح الا انذر قومه الدجال و انی أنذرُ کموه ... لعله سیدرکه بعض من رأنی او سمع کلامی".

یعنی: هر پیامبری بعد از نوح قوم خود را از فتنه دجال برحذر داشت، من نیز شما را بر حذر می دارم ... شاید برخی از آنها که مرا دیده اند یا سخن مرا شنیده اند، عصر او را درک کنند. از اینگونه روایات استفاده می شود که دجال، عنوانی کلی و عام برای افرادی ظالم و ستمگر است که با حيله و تزوير، و با نیروی

قهری به جنگ جوامع بشری می آیند، و با ارزش های انسانی و اخلاقی که توسط پیامبران بزرگ الهی ارائه شده است، به مبارزه بر می خیزند.

از عبارت پایانی حدیث یادشده معلوم می گردد که فردی مثل معاویه که پس از پیامبر گرامی اسلام (ص) با زور و تزویر به مقابله با معارف ارزشمند اسلام حقیقی برخاست، می تواند مصداق عنوان کلی "دجال" آن دوران باشد.

اما در برخی دیگر از احادیث، به پدیده ای خاص اشاره شده است که به عنوان دجال آخر الزمان قلمداد می گردد و دارای ویژگی های زیر است:

- 1 - او فقط یک چشم دارد.
- 2 - او مرکب سفید تندروی دارد که هر گام او يك ميل است و بسرعت زمین را طی می کند.
- 3 - او دعوی خدائی می کند و هنگامی که دوستان خود را به گرد خویش فرا می خواند، صدای او را تمام جهانیان می شنوند.
- 4 - او در دریاها فرو می رود و در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی قرار دارد که مردم آن را موادّ غذایی می بینند.
- 5 - به هنگام ظهور او، مردم گرفتار قحطی و کمبود موادّ غذایی هستند. (به حدیث صعصعة بن صوحان از امیر مؤمنان (ع) در کتاب بحار الانوار، ج 52 مراجعه شود).

از اینگونه احادیث که با زبان رمز و راز سخن می گویند، برداشتهای گوناگونی شده است.

بعضی از دانشمندان بر آنند که مقصود از این پدیده، فردی ستمگر و فریبکار است که به عنوان دجال بزرگ آخر الزمان ظهور می کند و

با مکر و خدعه و با تکیه بر قدرت شیطانی خود، بر جوامع بشری حکمفرما می شود و به مبارزه با ارزش های الهی بر می خیزد. اما بعضی از پژوهشگران معتقدند که این تعبیر سمبولیک، بیانگر ظهور سازمان یا نظامی استکباری است که با استفاده از قدرت نظامی و ترفندهای سیاسی خود در آخر الزمان، همه جوامع بشری را به بند استعمار و استعباد می کشد و سایه شوم ظلم و ستم را در سراسر جهان می گستراند. هریک از تعبیر سمبولیک یادشده نیز می تواند به یکی از ویژگیهای آن، اشاره داشته باشد.

مثلا، یک چشم بودن آن، اشاره به تک بُعدی و خود محوری آن است. صفات دیگر او نیز، به قدرت استفاده وی از تکنولوژی های پیشرفته آخر الزمان حکایت می کند. در پرتو این فناوری پیشرفته، او می تواند:

- با سرعت فوق العاده حرکت کند.
- در اعماق دریاها نفوذ داشته باشد.
- صدای خود را به همه جهانیان برساند.
- با تصاحب ارزاق مردم، کوهی از ثروت را برای خود فراهم سازد.
- با به راه انداختن جنگهای خانمانسوز، انبوهی از دود و آتش را به وجود آورد.
- با چپاول مردم و به خاطر نبردهای گسترده، قحطی و کمبود مواد غذایی را در جهان به ارمغان آورد.

همانگونه که قبلا یادآور شدیم، در برخی از روایات، هجوم لشکر دجال آخر الزمان، از نشانه های رستاخیز، قلمداد گردیده است، و از اینرو، احتمال اینکه خروج او از علامات قیامت باشد و همزمان یا پس از ظهور امام زمان (ع) صورت پذیرد، وجود دارد.

8. ظهور سفیانی

خروج سفیانی به عنوان حاکمی ستمگر، در منابع روایی شیعه بیان گردیده و یکی از نشانه های قبل از ظهور امام مهدی (عج) در آخر الزمان به حساب آمده است.

به عنوان مثال، در جلد 52 و 53 از کتاب "بحار الأنوار" (نوشته علامه مجلسی)، روایتی وارد شده است که بر اساس آن، امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

"أمر السّفياني حتم من الله و لا يكون قائم الاّ بسفياني".

یعنی: ظهور سفیانی از مسائل حتمی و مسلّم است؛ و در برابر هر امام قائمی، يك سفیانی وجود دارد.

در حدیثی دیگر از همان منبع، از امام صادق (ع)، چنین روایت شده است که فرمود:

"إنا و آل ابی سفیان اهل بیتین نعادینا فی الله، فلنا صدق الله و قالوا كذب الله، قاتل ابوسفیان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، و قاتل معاویة علی بن ابی طالب (علیه السلام) و قاتل یزید بن معاویة الحسین بن علی (علیه السلام)، و السّفياني یقاتل القائم".

یعنی: ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانیم که در امور الهی با هم اختلاف داریم. ما سخنان پروردگار را تصدیق کردیم و آنها تکذیب نمودند. ابوسفیان با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جنگید، و معاویه با علی بن ابی طالب (علیه السلام) مبارزه کرد، و یزید با حسین بن علی (علیه السلام) جنگید، و سفیانی با امام قائم (علیه السلام) مبارزه خواهد کرد.

از این دو حدیث، به خوبی معلوم می گردد که عنوان "سفیانی" نیز، یک مفهوم عام و کلی است که بر زمامداران سرکش از نسل ابوسفیان اطلاق گردیده، که هر یک از آنان، در برابر فردی از امامان برحق شیعه، به جنگ برخاسته است.

سفیانی آخر الزمان نیز، یکی از بازماندگان آن خاندان معاند است که با تکیه بر قدرت اهریمنی خود، به مبارزه با مردم حق طلب می پردازد و در زمان ظهور امام زمان (عج) نیز، با لشکر آن حضرت، می جنگد.

9. ظهور خراسانی

در روایات اسلامی، به خروج سید جوانی از خراسان اشاره شده است که از سادات بنی هاشم است و با لشکر بزرگی از ایرانیان از شرق کشور ایران قیام می کند و یکی از زمینه سازان ظهور امام زمان (ع) می باشد.

این سردار ایرانی، معروف به "سید خراسانی"، نقش مهمی را در زمینه سازی و تقویت ظهور امام مهدی (عج) بر عهده دارد. فرمانده لشکر او، فردی به نام "شعیب ابن صالح" است که به فرمان وی، از مناطق شرقی ایران به سوی عراق، لشکر کشی می کند.

بر اساس این روایات که در کتابهایمانند "الغیبة" نوشته نعمانی آمده است، قیام او همزمان با خروج "سفیانی" است که از منطقه شام، ظهور می کند و به سوی عراق و حجاز می تازد. سرانجام، لشکر خراسانی، سفیانی را شکست می دهد و این مانع بزرگ را از سر راه امام مهدی (ع) بر می دارد.

بر مبنای روایتی که کتاب "الماحم و الفتن" نوشته سید ابن طاووس؛ و باب پنجم کتاب "عقد الدرر" نوشته مقدسی شافعی آمده است، امام باقر (علیه السلام) چنین می فرماید:

"یخرج شاب من بنی هاشم بکفّه الیمنی خال، ویأتی من خراسان
برایات سود بین یدیه شعیب بن صالح، یقاتل أصحاب السفیانی
فیهمهم".

یعنی: جوانی از بنی هاشم خروج می کند که در دست راست و خال است، و از خراسان با پرچمهای سیاه می آید، و شعیب ابن صالح در پیش او خواهد بود، و با اصحاب سفیانی می جنگد و آنها را شکست می دهد.

10. خروج سید حسنی

پدیده دیگری که به عنوان یکی از علامات ظهور به شمار رفته است، قیام سرداری دیگر از نسل پیامبر (ص) است که به حمایت از حضرت امام مهدی (عج)، خروج می کند.

بر اساس روایتی که شیخ کلینی در جلد هشتم از کتاب "الکافی" نقل کرده است، امام صادق (ع) به این نکته اشاره می فرماید که پس از نابودی بنی العباس و خروج سفیانی از منطقه شام، سید حسنی قیام می کند.

آنگاه می فرماید:

"... و تحرك الحسني و خرج صاحب هذا الامر من المدينة الي مكة بتراث رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) ... و يستأذن الله في ظهوره فيطلع علي ذلك بعض مواليه فيأتي الحسني فيخبره الخبر فيتدر الحسني الي الخروج فيثب عليه اهل مكة فيقتلونه ... فيظهر عند ذلك صاحب الامر فيبايعه الناس و يتبعونه".

یعنی: و حسنی حرکت می کند و صاحب الأمر از مدینه به طرف مکه خروج می نماید، در حالی که میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او است... و از خداوند، اذن ظهور می خواهد. بعضی از دوستان آن حضرت مطلع می شوند و خبر ظهور امام (ع) را به حسنی می رسانند و او قیام می کند. سرانجام، اهل مکه بر او

یورش می‌برند و او را می‌کشند ... در این هنگام، صاحب الامر ظهور می‌کند و مردم با ایشان بیعت می‌کنند و پیروی می‌نمایند.

11. خروج یمانی

مقصود از "یمانی"، سرداری است که از کشور یمن قیام می‌کند و خروج او در روایات اسلامی، به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور امام مهدی (عج) به شمار رفته است. بر اساس روایتی که شیخ مفید در جلد دوم کتاب "الارشاد" آورده است، امام صادق (ع) ، قیام یمانی را از نشانه‌های حتمی ظهور امام زمان (عج) معرفی می‌فرماید.

بر مبنای سخن سید ابن طاووس در کتاب "الملاحم و الفتن"، این فرمانروا پس از تسلط بر سرزمین یمن، به حجاز می‌رود و به هنگام ظهور امام مهدی (عج) با آن حضرت بیعت می‌کند.

12. نفس زکیّه

بر اساس احادیثی که شیخ کلینی در جلد هشتم کتاب "الکافی"، و شیخ صدوق در کتاب "کمال الدین" ، و شیخ مفید در کتاب "الارشاد" ، و شیخ طوسی در کتاب "الغیبة" روایت کرده اند، منظور از نفس زکیّه، سیدی از اولاد پیامبر (ص) است که در شهر مکه به شهادت می‌رسد و شهادت او به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور امام مهدی (عج) قلمداد شده است.

همچنین، مقدّسی شافعی در باب چهارم از کتاب "عقد الدرر" چنین می‌گوید:

"و آخر الفتن و العلامات قتل النفس الزکیة، فعند ذلك یرج الامام المهدی ذو السیرة المرضیة".

یعنی: آخرین فتنه ها و نشانه های ظهور، کشته شدن نفس زکیّه است. در این هنگام، امام مهدی که صاحب سیرت پسندیده است، ظهور خواهد کرد.

ابوحمره ثمالی می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم:
"ان ابا جعفر (ع) كان يقول: ان خروج السفیانی من المحتوم. قال لی:
نعم و اختلاف ولد العباس من المحتوم و قتل النفس الزکیة من
المحتوم...". (کتاب "کمال الدین"، نوشته شیخ صدوق، جلد 2).
یعنی: امام باقر (ع) پیوسته می فرمودند: خروج سفیانی از
نشانه‌های حتمی است. امام صادق (ع) فرمودند: آری، و اختلاف
فرزندان عباس و کشته شدن نفس زکیه از امور حتمی است.

در پایان به این نکته اشاره می کنیم که برخی از علمای شیعه،
مانند ملا صالح مازندرانی در کتاب "شرح اصول کافی"، نفس زکیّه
را همان سید حسنی دانسته اند.

ظهور منجی جهانی

قیام امام عصر (عج) در آخر الزمان، عظیم ترین حادثه این برهه از تاریخ بشریت بر روی زمین به شمار می رود. در پرتو ظهور منجی عالم ، ظلم و ستم از پهنه گیتی رخت بر می بندد و همه جهان، در پرتو حکومت عادلانه آن حضرت، به زیور عدالت و آزادگی مزین می گردد.

با این پدیده بزرگ و شکوهمند، ستمگران عالم به زباله دان تاریخ سپرده می شوند و مستضعفان و مظلومان جهان، به فرمانروایی بر کره زمین می رسند.

در این فصل از نوشتار حاضر، ابتدا به تبیین شخصیت موعود امّتها و نجاتبخش ملّتها، یعنی امام زمان (عج) می پردازیم و آنگاه ، چگونگی قیام آن حضرت را شرح می دهیم، و سر انجام، به توصیف حکومت جهانی ایشان در پهنه گیتی اشاره می کنیم.

شخصیت منجی جهانی

پرچمدار عدالت و مهدی موعود، حضرت صاحب العصر و الزمان (ع)، خاتم اوصیاء، و یادگار اولیاء، و نور چشم انبیاء است. او تنها حجت باقیمانده خداوند است که چشم امید ستمدیدگان و محرومان جهان، انتظار قدومش را می کشد، و دل دردمند عاشقان آزادی و دادگری، در آرزوی نهضت با شکوهش، می تپد.

نام آن حضرت : همنام پیامبر گرامی اسلام.

کنیه ایشان : ابو القاسم و ابی صالح.

لقب های ایشان : مهدی، حجت، صاحب الزمان، ولی عصر، منتظر، و بقیة الله.

نام پدر ایشان : امام حسن عسکری (ع).

نام مادر ایشان : نرجس (نرگس) .

تاریخ تولّد: نیمه شعبان سال 255 هجری.

علاوه بر انبوهی از کتابهای دانشمندان شیعه، روایات فراوانی پیرامون مهدی موعود، در کتابهای صحاح و مسانیداهل سنت، وارد شده است و محدثان و محققان اسلامی از فریقین (شیعه و سنی) درباره آن حضرت، کتابهای گوناگونی را به رشته تحریر درآورده اند.

برخی از این کتابها که توسط علمای اهل سنت در باره شخصیت امام عصر (عج) نوشته شده، عبارتند از:

- کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، نگارش: محمد بن یوسف ابن الکنجی شافعی.
- کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، نگارش: علی بن حسام الدین، مشهور به متقی هندی.
- کتاب المهدی و المهدویّ، نگارش: احمد امین مصری.

اما علمای شیعه، در این زمینه کتابهای بسیار زیادی نوشته اند که شمارش آنها آسان نیست. مانند: الملاحم و الفتن ، نوشته سید ابن طاووس؛ کتاب الغیبة، نوشته نعمانی؛ کتاب الغیبة، نوشته شیخ طوسی؛ کتاب اکمال الدین، نوشته شیخ صدوق؛ کتاب الحجة از اصول الکافی، نوشته شیخ کلینی؛ و غیره.

مجموعه روایاتی که دانشمندان مذاهب اسلامی از پیامبر گرامی اسلام پیرامون مهدی موعود و منجی عالم بشریت روایت کرده اند، خصوصیات و نشانه های او را بگونه ای معین نموده که درست بر امام مهدی، دوازدهمین پیشوای شیعیان، منطبق می باشد. زیرا او :

اولا: فرزند بلافضل امام حسن عسکری است. (ینابیع الموده، باب 76، در مناقب، به نقل از جابر بن عبدالله انصاری).

ثانیا: همنام پیامبر گرامی است. (صحیح ترمذی، طبع دهلی، سال 1342، ج 2، ص 46 و مسند احمد، طبع مصر، سال 1313، ج 1، ص 376).

ثالثا: دوازدهمین پیشوا هست. (ینابیع الموده، ص 443).

رابعا: از نوادگان حسین بن علی بن ابی طالب (ع) می باشد. (ینابیع الموده، ص 432).

غیبت امام مهدی (ع)

حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سال 260 هجری به امامت رسیدند. از همان آغاز دوران امامت، ایشان از دیدگان مردم غایب بودند و نمایندگانی را برای ارتباط با شیعیان خود برگزیدند.

این نمایندگان به ترتیب دوره نمایندگیشان، عبارت بودند از :

- عثمان ابن سعید
- محمد ابن عثمان
- حسین ابن روح
- علی ابن محمد سمري

دوران غیبت امام مهدی (ع) که نمایندگان مذکور به عنوان نایبان خاص میان ایشان و عموم شیعیان ارتباط برقرار می نمودند، به عنوان غیبت صغرا نامیده می شود. این برهه از زمان به مدّت شصت و نه سال ادامه یافت و پس از درگذشت آخرین نایب خاص آن حضرت، به پایان رسید.

بعد از این برهه از زمان، دوران غیبت کبرای امام مهدی (ع) فرا رسید که تا کنون ادامه دارد. در این مدّت، فردی به عنوان نایب خاص آن حضرت، از سوی ایشان معرفی نمی گردد، بلکه فقهای واجد شرایط که زاهد، عادل، و خویشتن دار باشند، منصب نیابت عامّه آن حضرت را بر عهده دارند.

طول عمر امام مهدی

مهدی موعود به امر الهی در سال 255 هجری به دنیا آمد و هم اکنون بسان سایر افراد به صورت ناشناس به زندگانی خود ادامه می دهد.

لازم به گفتن است که چنین عمر طولانی، نه با علم و دانش ناسازگار است و نه با منطق وحی. جهان دانش امروز درصدد افزایش عمر طبیعی انسانها است و بر این باور است که بشر استعداد و شایستگی عمر طولانی را دارد و اگر بخشی از آفات و آسیبها پیشگیری شود، امکان افزایش آن زیاد است. تاریخ نیز اسامی کسانی را که دارای عمر طولانی بوده اند ضبط نموده است.

قرآن مجید درباره نوح پیامبر می فرماید:

«فَلَيْتَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا». (سوره عنکبوت: 14)

- نوح در میان قوم خود، هزار سال زندگی کرد، مگر پنجاه سال.

و درباره حضرت یونس می فرماید:

«فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (سوره صافات: 144).

- اگر او از تسبیح کنندگان نبود، تا روز رستاخیز در شکم او (ماهی) باقی می ماند.

همچنین حضرت خضر پیامبر و حضرت عیسی مسیح(علیهمما السلام)، از دیدگاه قرآن و به اتفاق آرای مسلمانان جهان، هنوز زنده هستند و به حیات خویش ادامه می دهند.

انتظار ظهور یا آماده باش کامل

پس از آشنایی با رهبر قیام آزادیبخش جهان، و قبل از آغاز بحث پیرامون آغاز ظهور آن حضرت، شایسته است با مهمترین مقدمه و زمینه سازی نهضت جهانی ولی عصر (عج) بیشتر آشنا گردیم.

در دوران غیبت کبرای امام زمان، وظیفه شیعیان، تلاش در جهت تحقق عدالت و آزادی و اجرای فرامین الهی، و حفظ آمادگی کامل جهت یاری حضرت ولی عصر (ع) به هنگام ظهور ایشان می باشد. این حالت معنوی به همراه انجام وظایف دینی و حفظ آمادگی کامل برای لبیک به ندای امام زمان (عج) را "انتظار قَرَج" می نامند. در روایات اسلامی، اهمّیت و فضیلت این نوع انتظار و آمادگی توأم با آرزوی اجرای عدل الهی در پرتو ظهور موفور السرور امام مهدی (ع)، مورد تاکید بسیار قرار گرفته است.

به عنوان مثال، امام علی (ع) می فرماید:

"انتظروا العَرَجَ و لا تيأسوا من روح الله، فإنَّ أحبَّ الأعمال عند الله عزَّوجلَّ انتظار العَرَج. و المنتظر للعَرَج كالمتشحَّط بدمه في سبيل الله". (کتاب بحار الأنوار، جلد 52).

یعنی: چشم به راه ظهور باشید، و از رحمت خداوند مأیوس و ناامید نشوید، زیرا بهترین اعمال، انتظار ظهور است. و کسی که منتظر ظهور آن حضرت باشد، مانند شهیدی است که در راه خدا به خون خود آغشته گردیده.

امام صادق (ع) نیز چنین می فرماید:

"إنَّ لنا دولة يجيئ الله بها إذا شاء، من سرَّه أن يكون من اصحاب القائم، فلينتظر و ليعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر، فإن مات و قام المهديَّ بعده، كان له من الأجر مثل أجر من أدركه، فجدَّوا و انتظروا، هنيئا لكم أيُّتها العصابة المرحومة". (کتاب غیبت نعمانی).

یعنی: برای ما دولتی است که هرگاه خدا بخواهد آن را خواهد آورد. هرکه دوست داشته باشد از اصحاب قائم (عج) باشد، پس منتظر باشد و با پارسایی و اخلاق زیبا عمل کند و انتظار قدوم او را بکشد. پس اگر چنین شخصی از دنیا برود و حضرت مهدی بعد از آن ظهور نماید، همان اجر و پاداشی را خواهد داشت که اصحاب آن حضرت در زمان ظهور او دارند. پس بکوشید و منتظر بمانید. بر شما گوارا باد، ای گروهی که مورد رحمت الهی قرار گرفته اید.

بر اساس این روایات اسلامی، پیروان راه حق و هواداران حضرت مهدی (عج) باید جوامع بشری را در ابعاد مختلف، آماده نهضت جهانی آن حضرت سازند و زمینه را جهت پیروزی حق بر باطل، فراهم نمایند.

آمادگی برای ظهور امام زمان (عج) در صورتی تحقق می پذیرد که منتظران آن حضرت، در دو زمینه بکوشند :

1. ساختن خود، از راه آموزش علوم و فنون، خودسازی معنوی و تهذیب نفس.

2. ساختن جامعه خود، از طریق تقویت ارتباطات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و دینی میان پیروان امام مهدی.

آغاز نهضت جهانی امام مهدی

یکی از حساس ترین بخش های حیات امام مهدی (عج)، برهه ای است که آن حضرت از جانب خداوند برای آغاز نهضت جهانی خود، مأموریت می یابد و به منظور اقامه عدل و داد بر سراسر گیتی، قیام می کند.

زمان قیام

از مجموعه ای از روایات اسلامی چنین استفاده می شود که امام زمان - علیه السلام - قیام شکوهمند خود را در روز جمعه که عید مسلمانان و روز مقدّسی است، آغاز می نماید.

امام صادق - علیه السلام - در این زمینه چنین می فرماید:

"و يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ". (کتاب خصال، نوشته شیخ صدوق، حدیث 101).

یعنی: قائم ما اهل بیت، در روز جمعه ظهور می نماید.

در احادیثی دیگر از منابعی مانند کتاب "من لایحضره الفقیه" و غیره نیز، به این نکته اشاره شده است که انتصاب امام علی (ع) به خلافت رسول خدا (ص) در روز غدیر خم، مصادف با روز جمعه بوده

است. همچنین، روز قیام امام مهدی (ع) در روز جمعه خواهد بود. روز قیامت نیز، همزمان با روز جمعه می باشد.

مکان قیام

مکه معظمه، مقدس ترین شهر، و کعبه مشرفه، مهمترین جایگاه در نظر عموم مسلمانان جهان قلمداد می شود. هر حادثه ای که در آن مکان رخ دهد، از دیدگاه جهانیان، دارای اهمیتی فوق العاده تلقی می شود و مورد توجه همه مسلمانان قرار می گیرد.

بر مبنای احادیث اسلامی، شروع قیام حضرت ولی عصر (عج) از کنار کعبه در مسجد الحرام و در شهر مقدس مکه خواهد بود.

امام صادق (ع) در حدیثی شریف، چنین می فرماید:

"انَّ القائم اذا خرج، دخل المسجد الحرام فيستقبل الكعبة و يجعل ظهره الى المقام ثم يصلي ركعتين ...". (کتاب بحار الأنوار، نوشته مجلسی، جلد 51؛ و کتاب "دلائل الإمامة، نوشته طبری).

یعنی: آنگاه که قائم خروج کند، وارد مسجد الحرام می شود و روبروی کعبه، پشت به مقام ابراهیم می گذارد و دو رکعت نماز به جا می آورد و سخن خود را آغاز می کند.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) در این باره چنین آمده است:

"يقف بين الركن و المقام فيصرخ صرخة فيقول: «يا معاشر نقبائي و أهل خاصتي و من ادّخرهم الله لنصرتي قبل ظهوري على وجه الأرض! انتوني طائعين...". (بحار الأنوار، نوشته علامه مجلسی، جلد 53، روایت مفضل ابن عمر).

یعنی: امام مهدی (ع) میان رکن و مقام در کنار کعبه می ایستد و چنین فریاد می زند:

ای فرماندهان لشکر من، ای یاران و نزدیکان من، ای کسانی که خداوند پیش از ظهور، آنان را برای یاری من بر روی زمین ذخیره کرده است، به سوی من بشتابید و به فرمان من گردن نهید.

در آن هنگام، یاران خاص امام زمان (ع) در سراسر جهان، ندای پیشوای خود را لبیک می گویند و فرامین ایشان را در پیشبرد نهضت جهانی آن حضرت، اجرا می نمایند.

در آن روز بزرگ، نگاه جهانیان به رویداد عظیمی که در شهر مکه پدید می آید خیره می شود و این سخن خداوند در قرآن مجید به زیبا ترین وجهی تعبیر می گردد که می فرماید:

"جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس". (سوره المائدة، آیه 97).
یعنی: خداوند، کعبه - بیت الحرام - را قیام برای مردم قرار داد.

پرچم قیام

در زمینه پرچم امام زمان (عج) به هنگام ظهور آن حضرت، روایاتی از پیشوایان معصوم - علیهم السلام - رسیده است. بر اساس این احادیث، پرچم قیام، همان پرچم مقدس رسول الله (ص) است که در جنگ "بدر" بر افراشت.

در منابعی مانند کتاب "کمال الدین"، جلد 2، نوشته شیخ صدوق، و کتاب "الغیبة"، جلد 4، نوشته نعمانی و امثال آنها، در باره این پرچم، چنین آمده است:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

"وینشر رایة رسول الله (صلی الله علیه وآله) ... ، ما یهوی بها إلی شیء إلا أهلكه الله ... فإذا هزها لم یبق مؤمن إلا صار قلبه أشد من زبر الحديد، وأعطی قوة أربعین رجلاً".

یعنی: آن حضرت، پرچم پیامبر گرامی را بر افراشته خواهد فرمود ... و آن پرچم بر هیچ چیز (از موانع) نمی گذرد مگر اینکه خدا آن را نابود می سازد ... و آنگاه که امام زمان (ع) آن پرچم را بلند کند، دل‌های همه مؤمنان مانند از پاره های آهن، قوی تر می گردد و نیروی چهل مرد، به هریک از آنان عطا می شود.

روایات دیگری مشابه این حدیث، از امام باقر و امام سجاد - علیهما السلام - در منابع یادشده و دیگر کتب شیعی مانند کتاب "بحار الانوار"، جلد 51، نوشته علامه مجلسی، وارد گردیده است.

خطبه قیام

یکی از مباحث مهمّ نهضت جهانی امام زمان (ع)، بررسی نخستین سخنرانی آن حضرت در مسجد الحرام است.

بر اساس سخن نعمانی در باب چهاردهم از کتاب "الغیبة"، امام محمد باقر - علیه السلام - در حدیثی شریف، پیرامون اولین خطبه مهدی موعود (عج)، چنین می فرماید:

"ای مردم، ما از خدا یاری می طلبیم و از مردمی که دعوت ما را پاسخ دهند، ما اهل بیت پیامبران محمد هستیم و سزاوارترین مردم به خدا و به محمد - صلی الله علیه وآله - هر که در مورد آدم با من سخن بگوید، بداند که من نزدیک ترین فرد به آدمم. هر که درباره نوح با من به گفتگو برخیزد، بداند که من سزاوارترین شخص به نوحم. هر که در زمینه ابراهیم با من سخن بگوید، بداند که من

وارث ابراهیم هستیم. هر که در مورد محمد - صلی الله علیه وآله - با من مراجعه نماید، بداند که من نزدیکترین مردمان به محمدم، هر که درباره پیامبران با من گفتگو کند، من سزاوارترین مردمان به پیامبرانم.

آیا خدای تعالی در کتاب خویش نمی‌فرماید: "ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین". (سوره آل عمران، آیه 33).

من وارث آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و منتخب محمد - صلی الله علیه وآله - هستیم .

بدانید! هر که با کتاب خدا با من بحث کند، من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستیم. بدانید! هر که با سنت رسول خدا (ص) با من گفتگو نماید، من به سنت رسول خدا سزاوارترم.

شما را به خدا سوگند! هر که سخن را امروز بشنود، به دیگران برساند. به حق خدا و حق پیامبرش و به حق خودم از شما می‌خواهم که مرا یاری نمایید و در برابر کسانی که به ما ظلم کردند، از ما حفاظت کنید. ما را بیم دادند و به ما ستم نمودند و ما را از دیار و فرزندانمان راندند. بر ما جور نمودند و حقان را سلب کردند و اهل باطل بر ما دروغ بستند .

خدا را ! خدا را ! ما را در نظر آورید، و ما را رها نکنید و ما را یاری کنید، که خدای تعالی شما را یاری خواهد فرمود".

روایات دیگری نیز در زمینه سخنرانیهای امام زمان (ع) در مکه وارد شده است که به خاطر رعایت اختصار، به همین حدیث، بسنده می‌کنیم.

سرداران و کارگزاران قیام

امام زمان (عج) مانند هر پیشوای بزرگ دیگر، دارای کارگزاران نظام، و فرماندهان نیروهای تحت امر خود می باشد، که باید از تواناییها و ویژگیهای خاصی برخوردار باشند.

در روایات اسلامی، به این نکته اشاره شده است که سید و سیزده یار باوفا و توانمند، سرداران قیام و کارگزاران تشکیلات نهضت جهانی مهدی موعود را در عصر ظهور، تشکیل می دهند.

روشن است که مجموعه طرفداران و پیروان آن حضرت به مراتب باید بیش از این عدد باشند، در غیر این صورت، ایجاد یک حرکت بزرگ در سطح گیتی، با مشکل مواجه خواهد شد. بنا بر این، تعداد سید و سیزده نفر از یاران امام زمان (ع) که در روایات بیان شده است، مربوط به نیروهای کادر مدیریت و فرماندهی سپاه تحت امر آن حضرت می باشد.

اینک، به تبیین ویژگیهای این گروه از کارگزاران قیام مهدویّت از دیدگاه احادیث اسلامی می پردازیم.

بر اساس حدیثی از امام صادق (ع) که علامه مجلسی در جلد 52 از کتاب "بحار الانوار" نقل کرده است، اوصاف این گروه پرصلابت، به شرح ذیل است:

"مردانی که گویا قلب‌هایشان مانند پاره‌های آهن است. هیچ چیز نمی تواند دل‌های آنان را نسبت به ذات خداوند به شک افکند. آنان، مستحکم تر از سنگ هستند. اگر بر کوه‌ها حمله کنند، آنها را متلاشی می سازند... مانند عقاب، بر اسبان خود قرار می گیرند

... آنها در کنار پیشوای خویش جان خود را سپر او می‌سازند و هر چه را فرمان دهد، برایش انجام می‌دهند .

شب‌ها به نماز می ایستند و روزها سوار بر مرکب خویش به نبرد می پردازند. پارسایان شب‌اند و شیران روز ... تمنایشان شهادت در راه خدا است، و شعارشان "یا لثارات الحسین". وقتی حرکت می‌کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه، ترس و وحشت حرکت می‌کند، آنان دسته دسته به سوی مولایشان می‌روند. خداوند با آنان، امام راستین را یاری می‌فرماید".

در برخی از روایات، به گروه از فرماندهان لشکر آن حضرت به عنوان "نجباء" اشاره شده است که از سرزمین مصر، به یاری امام زمان می‌شتابند.

امام باقر (ع) در این زمینه چنین می‌فرماید:

"يُبَاعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَتَيْفٌ عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ التُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرٍ...". (کتاب الغيبة، نوشته نعمانی، حدیث 502).

یعنی: سیصد و چند نفر به تعداد لشکر رسول خدا در جنگ بدر، با قائم (ع) در میان رکن و مقام (در مسجد الحرام) بیعت می‌نمایند. در میان آنان، نجیبانی از مردم مصر، حضور دارند.

همچنین، در کتاب "الغیبة" به این نکته اشاره شده است که اکثر فرماندهان لشکر امام زمان - علیه السلام - جوان و میانسال هستند.

بر اساس این روایت، امیر مؤمنان (ع) چنین می‌فرماید:

"إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُھُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ، وَأَقْلَ الزَّادِ الْمِلْحُ" (الغيبة، نوشته نعمانی، حدیث 10).

یعنی: اصحاب قائم (ع) همگی جوانند و پیر در بین آنها نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم، یا به اندازه نمک در میان توشه، و کمترین توشه، نمک است.

نکته دیگر در این زمینه این است که بر اساس حدیثی که در جلد اول کتاب "تفسیر عیاشی" و جلد اول کتاب "معجم احادیث الامام المهدي" و جلد هفتم کتاب "مجمع الزوائد" آمده است، تعداد پنجاه نفر از سیصد و سیزده تن از کارگزاران قیام جهانی حضرت مهدی (ع) را زنان تشکیل می دهند.

روایت مذکور که از امام باقر (ع) نقل شده ، به شرح ذیل است:

"و یحییء - والله - ثلاث مائة و بضعة عشر رجلا فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر میعاد ... و هی الآیة الّتی قال الله: [اینما تكونوا یأت بكم الله جمیعا ان الله علی كل شیء قدير]."

یعنی: به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر می آیند که پنجاه نفر از آنها زنان هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد ... این است معنای آیه شریفه قرآن مجید که می فرماید: هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند، زیرا او بر هر کاری توانا است.

یاران و همراهان قیام

آنچه در بخش قبل بیان گردید، خصوصیات کارگزاران و فرماندهان نهضت امام زمان (ع) بود. روشن است که موفقیت یک انقلاب عظیم و جهانی، در گرو وجود انبوهی از پیروان وفادار و دلاور است که با اطاعت از پیشوای خود و کارگزاران او، مسیر نهضت را هموار می سازند و اهداف آن را به پیش می برند.

ویژگیهای یاران و همراهان نهضت امام زمان (ع)، همان صفات والایی است که در خصوص منتظران واقعی امام مهدی (ع) بیان گردیده است. این نکته را می توان از روایت ذیل که قبلا از نظر شما گذشته است، بدست آورد. در این حدیث شریف، امام جعفر صادق

- علیه السلام - چنین می فرماید:

"إِنَّ لَنَا دَوْلَةَ يَجِيئُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، مِنْ سِرِّهِ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْمَهْدِيُّ بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أُخْرٍ مِنْ أُدْرَكِهِ، فَجَدُّوا وَ انْتَظِرُوا، هُنَيْنًا لَكُمْ أَيْتُهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ". (کتاب غیبت نعمانی).

یعنی: برای ما دولتی است که هرگاه خدا بخواهد آن را خواهد آورد. هرکه دوست داشته باشد از اصحاب قائم (عج) باشد، پس منتظر باشد و با پارسایی و اخلاق زیبا عمل کند و انتظار قدوم او را بکشد. پس اگر چنین شخصی از دنیا برود و حضرت مهدی بعد از آن ظهور نماید، همان اجر و پاداشی را خواهد داشت که اصحاب آن حضرت در زمان ظهور او دارند. پس بکوشید و منتظر بمانید. بر شما گوارا باد، ای گروهی که مورد رحمت الهی قرار گرفته اید.

از این روایت به خوبی روشن می گردد که ویژگیهای منتظران واقعی ظهور، همان صفات و کمالات اصحاب و یاران امام زمان (ع) در هنگام ظهور ایشان است.

اینک، برخی از این خصوصیات که در احادیث دیگر انتظار ظهور آمده است را از نظر شما می گذرانیم تا با ویژگیهای اخلاقی و رفتاری یاران حقیقی امام زمان (ع)، بیشتر آشنا گردیم:

- امام حسین (علیه السلام) در حدیثی شریف، چنین می فرماید:
"اما ان الصابر فی غیبة علی الاذی و التکذیب، بمنزلة المجاهد بالسيف بين یدی رسول الله صلی الله علیه و آله." (کتاب "اعلام الوری"، نوشته امین الاسلام طبرسی).
 یعنی: به تحقیق، کسانی که به هنگام غیبت آن حضرت، نسبت به آزار دشمنان و تکذیب آنان شکبیا و مقاوم باشند، به منزله کسانی هستند که با شمشیر در کنار رسول خدا (ص) جهاد می کردند.
- امام سجّاد (علیه السلام) نیز، چنین می فرماید:
"من ثبت علی و لایتنا فی غیبة قائمنا، اعطاه الله اجر ألف شهید مثل شهداء بدر و احد." (کتاب کشف الغمه، نوشته علی ابن عیسی، جلد 3).
 یعنی: هرکه در دوران غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت قدم بماند، خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به او عطا می فرماید.
- امام موسی کاظم (علیه السلام) در این زمینه چنین می فرماید:
"طوبی لشیعتنا المتمسکین بچینا فی غیبة قائمنا، الثابتین علی مولاتنا و البرائة من اعدائنا، اولئک منا و نحن منهم و قد رضوا بنا ائمه و رضینا بهم شیعة، طوبی لهم ثم طوبی لهم، هم والله معنا فی درجتنا یوم القيامة." (کتاب الزام الناصب، نوشته شیخ علی یزدی حایری).
 یعنی: خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما بر محبت و ولایت ما پایداراند، و از دشمنان ما بیزار می جویند، آنها از ما و ما از آنهایم. آنان امامت ما را پذیرفتند، ما هم آنها را به عنوان شیعیان خود پذیرفتیم. خوشا به حال آنها و باز هم خوشا به حال آنها. به خدا سوگند، آنان در روز قیامت، در درجه ما و در کنار ما خواهند بود.
- امام هادی (علیه السلام) نیز در حدیثی شریف، چنین می فرماید:

"لولا من يبقى بعد غيبة قائمكم من العلماء الداعين اليه، و الدالين عليه، و الذابين عن دينه بحجج الله و المنقذين للضعفاء من عبادالله من شباك ابليس و مردته، لما بقى احد الا ارتد عن دين الله. ولكنهم يمسكون ازمة قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينة سكانها، اولئك هم الافضلون عندالله عزوجل". (كتاب بحارالانوار، نوشته علامه مجلسی، جلد 51).

یعنی: اگر پس از غیبت امام قائم، برخی از دانشمندان نبودند که به سوی او دعوت کنند و مردم را به حضرتش سوق دهند و از دینش با استدلال‌های الهی حمایت کنند و ضعیفان از بندگان خدا را از افتادن در دام ابلیس و یارانش رهایی بخشند، در آن صورت، هیچکس نمی‌ماند جز اینکه از دین خدا بر می‌گشت. ولی آن عالمان زمان، دل‌های ضعیفای شیعه را نگاه می‌دارند، همان گونه که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می‌دارد. این گروه، نزد خدای عزوجل از همه برترند.

از مجموع احادیث یادشده به این نتیجه می‌رسیم که صفات و کمالات منتظران ظهور، و ویژگی‌های یاران واقعی امام زمان (ع)، به شرح ذیل است:

1. صبوری، شکیبایی و مقاومت.
2. محبت به اهل بیت - علیهم السلام - و برائت از دشمنان آنان.
3. ثبات قدم در پیروی از حق.
4. کسب دانش دین.
5. دعوت مردم به سوی امام زمان (ع).
6. حمایت از حریم ولایت پیشوایان معصوم (علیهم السلام).
7. دفاع از ارزشهای اسلامی.

8. دستگیری از ضعیفان.
9. امید دادن به مردم به هنگام سختی ها.
10. برقراری روابط اجتماعی نیرومند با عموم شیعیان.

سلاح قیام

یکی از پرسش‌هایی که در زمینه قیام حضرت مهدی (ع) مطرح می‌گردد این است که آن حضرت با چه سلاحی می‌خواهد به جنگ ستمگران و مستکبران جهان برود و بر آنان پیروز شود؟

از سوی دیگر، با آگاهی از زرادخانه‌های قدرتهای بزرگ جهان، می‌دانیم که آنان پیشرفته‌ترین سلاح‌های مدرن و مخرب را در اختیار دارند که به نمونه‌ای از آمار و ارقام اعلام شده در این زمینه، اشاره می‌شود. روشن است که قدرتهای جهانی، از افشای همه سلاح‌های اتمی خود پرهیز می‌کنند و تنها بخشی از آنها را اعلام می‌نمایند.

بولتن دانشمندان اتمی در گزارشی تحلیلی چنین می‌نویسد: "سطح بالای مخفیانه نگاه داشتن برنامه‌های هسته‌ای از اینکه سبب شود تا همه، تعداد واقعی سلاح‌های هسته‌ای در جهان را بدانند، جلوگیری به عمل می‌آورد. هر کشوری جزئیات سلاح‌های هسته‌ای خود را مخفی نگاه داشته و عامه مردم، اطلاعات کمی در مورد میزان و محتویات ذخایر هسته‌ای کشورهای دیگر دارند.

"رابرت نوریس" و "هانس کریستنسن" در گزارش خود می‌نویسند: با وجود این ابهامها، ما برآورد می‌کنیم که کشورهای آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین، هند، پاکستان، اسرائیل و کره

شمالی، حدود 27 هزار کلاهک هسته ای داشته باشند که 97 درصد آن مربوط به آمریکا و روسیه می شود.

دربخش دیگری از این گزارش آمده است: براساس محاسبات، بیش از 128 هزار کلاهک هسته ای از سال 1945 ساخته شده است.

با بیان این آمار و ارقام، پرسش یادشده به صورت جدی تر مطرح می شود که آیا امام مهدی (ع) با چه اسلحه و استراتژی رزمی بر قدرتهای بزرگ غلبه می کند؟

در پاسخ به این سؤال، نظریات گوناگونی ارائه شده است که برخی از آنها را از نظر شما می گذرانیم:

پاسخ اول این است که امام مهدی (ع) باید سلاحی قدرتمند تر و نافذتر است اسلحه قدرتهای ستمگر داشته باشد. یا اینکه وسیله دیگری در اختیار داشته باشد. این نظریه بر مبنای استراتژی جنگ کلاسیک مطرح می شود. زیرا برای پیروزی در جنگی متقارن، سلاح برتر، یکی از عوامل موفقیت به شمار می رود.

بر مبنای این جواب، باید روایاتی که می گویند: امام زمان (ع) با شمشیر قیام خواهد کرد را به این صورت تأویل نمود که مقصود از شمشیر، قدرت فائقه و برّندگی است، نه آن تیغی که از آهن و پولاد ساخته می شود. در اینجا نمونه ای از آن روایات را از نظر شما می گذرانیم که سخن یادشده را تایید می نمایند:

امام صادق (ع) در باره سپاه امام زمان (عج) چنین می فرماید:
"لو أنهم وردوا علی ما بین المشرق و المغرب من الخلق لأفنؤهم فی ساعة واحدة لا یختل الحدید فیهم و لهم سیوف من حدید غیر هذا

الحديد، لو ضرب أحدهم بسيفه جبلا، لفته حتى يفصله". (بحار الأنوار، جلد 27).

یعنی: اگر یاران آن حضرت، بر لشکری به گستره شرق تا غرب هجوم آورند، آنان در یک ساعت نابود می سازند، و آهن در آنها اثر نخواهد کرد و البته سلاح آنها از آهن است ولی نه از جنس این آهن، بطوری که اگر یکی از آنها با شمشیر خود به کوهی بزند، دو نیمه خواهد شد.

امام صادق (ع) در این حدیث، به این نکته اشاره می فرماید که شمشیر آن حضرت، از نوع شمشیری که در نزد ما به ذهن ها تبادر می کند نیست، بلکه از نوع دیگری است که اگر به کوهی اصابت کند، آن را متلاشی می سازد.

امام صادق (ع) در حدیث دیگری، صاعقه عذاب را که قرآن مجید به آن اشاره می کند، به عنوان شمشیر امام زمان (عج) تفسیر و تأویل می فرماید. (بحار الأنوار، جلد 24).

بنا بر این، منظور از شمشیر در قیام مهدی موعود، سلاحی است که قدرتی فوق العاده دارد و نسبت به اسلحه دشمنان حق و عدالت، برتر است.

پاسخ دوم این است که فناوری هایی که در اختیار لشکر امام عصر - علیه السلام - قرار می گیرد، در حدی است که می تواند سلاح های مخرب و کشتار جمعی مستکبران را از کار بیندازد و کاربرد آنها را خنثی سازد.

این نظریه بر مبنای دفاعی بودن سلاح قیام امام زمان (ع) مطرح گردیده است. از آنجا که سلاح های کشتار جمعی هرچقدر مدرنتر باشند، مخرب تر خواهند بود و اگر ارتش امام زمان (ع) این اسلحه را به کار بگیرد، ناچار گروه بزرگی از مردم دنیا که در شهرها و روستاها زندگی می کنند نیز کشته خواهند شد. بنا بر این، باید

سلاح قیام امام زمان (ع) کاملاً دفاعی باشد و به مردم عادی که در جنگ شرکت ندارند، آسیبی نرساند. نکته ای که در پایان این بحث باید یادآور شویم این است که کلمه "سیف" به معنای شمشیر که در برخی از روایات، به عنوان سلاح قیام جهانی امام مهدی (عج) آمده است، نماد قدرت و سمبل پیروزی است.

مدّت قیام

بر اساس روایاتی که در کتب حدیث مانند کتاب "الغیبة" نعمانی و غیره آمده است، مدّت زمان نبرد لشکر امام زمان (ع) با ارتش های قدرتهای ستمگر، هشت ماه می باشد. پس از این مدّت، نیروهای نهضت جهانی، بر همه کشورهای جهان مسلط می شوند و عدل و داد را در سراسر گیتی گسترش می دهند.

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در این زمینه، چنین روایت شده است:

"یضع [یجرّد] السیف علی عاتقه ثمانية أشهر" (کتاب الغیبة، نوشته نعمانی).

یعنی: او به مدّت هشت ماه، شمشیر را بر دوش خود می نهد.

عهد نامه قیام

عهد نامه قیام، عبارت است از متن بیعتنامه ای که اصحاب خاص امام زمان (ع) آن را امضا می کنند و به آن حضرت برای انجام مفاد آن، متعهد می شوند.

شناخت این تعهد نامه برای ما نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا با بررسی مواد آن به انتظارات مهدی موعود (ع) از شیعیان ایشان پی می بریم و مسئولیت های پیروان حقیقی آن حضرت را در می یابیم.

بر اساس روایتی از امام علی (ع)، متن عهدنامه مذکور، به شرح زیر است:

"با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند. مرتکب فحشا نشوند. مسلمانی را دشنام ندهند. خون کسی را به ناحق نریزند. به آبروی کسی لطمه نزنند. به خانه کسی هجوم نبرند. کسی را به ناحق نزنند. از احتکار طلا، نقره، گندم و جو بپرهیزند. مال یتیم نخورند. در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند. مسجدی را خراب نکنند. مشروب نخورند. حریر و خز نپوشند. در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند. راه را بر کسی نبندند. راه را نا امن نکنند. طرفدار پاکی باشند و از پلیدی گریزان باشند. به نیکی فرمان دهند و از زشتی ها باز دارند".

امام مهدی (ع) نیز متعهد می شوند که:

"از راه آنان برود، جامه ای مثل جامه آنها بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنان سوار شود، و با کم راضی و قانع شود. زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند، آنچنان که پر از ستم شده است. خدا را آنچنان که شایسته است بپرستد. برای خود دربان و نگاهبان اختیار نکند". (کتاب الملاحم و الفتن، نوشته سید ابن طاووس؛ و کتاب منتخب الأثر، نوشته آیه الله صافی گلپایگانی).

دستاوردهای قیام

بر اساس روایات اسلامی، مهمترین دستاوردهای نهضت جهانی امام مهدی (ع) عبارتند از:

- برقراری عدالت و دادگستری در سراسر جهان.
- آزادی همه انسانها از بردگی و عبودیت ستمگران
- تامین صلح و امنیت جهانی در پهنه گیتی.
- وفور نعمت و رفاه جامعه بشری.
- توسعه دانش بشری و پیشرفت چشمگیر فناوری در همه زمینه های علمی.
- گسترش عشق و محبت انسان ها نسبت به یکدیگر.
- توسعه مکارم اخلاق و روحیه مدارا در گفتار و رفتار مردم.

اینک به بیان برخی از روایات در این زمینه می پردازیم که با ایما و اشاره، برخی از پیشرفتهای آن دوران را تبیین می نماید.

پیامبر گرامی اسلام (ص) و پیشوایان معصوم در مناسبتهای مختلف، بشارت برقراری عدالت را به دست آن حضرت در سراسر جهان داده اند و چنین فرموده اند:

"ثم یرج رجل من عترتی او من اهل بیتی یملاها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و عدواناً". (کتاب مسند احمد، ج 3؛ مسند ابی یعلی، ج 2، حدیث 987؛ صحیح ابن حبان، ج 8، حدیث 6874؛ مستدرک حاکم، ج 4؛ بحار الانوار مجلسی، ج 51، باب 1، حدیث 22).

یعنی: آنگاه مردی از اهل بیت من قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است.

امام صادق (ع) در حدیث دیگری چنین می فرماید:

"انّ قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربّها واستغنى العباد من ضوء الشمس". (بحار، ج 13، چاپ قدیم، صفحه 176).
یعنی: هنگامی که قائم ما ظهور کند، کره زمین به نور خدا روشن می گردد و بندگان از نور آفتاب، بی نیاز می شوند.

همچنین، امام صادق (ع) در زمینه گسترش دانش در عصر ظهور، چنین می فرماید:

"العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتي اليوم غير الحرفين فاذا قام القائم اخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبثّها في الناس و ضمّ اليها الحرفين حتي يبتها سبعة و عشرين حرفاً". (کتاب بحار الانوار، جلد 52؛ و کتاب بصائر الدرجات، نوشته محمد ابن حسن صفار).

یعنی: علم، بیست و هفت حرف است، و تمام آنچه پیامبران تا کنون آورده اند، دو حرف است و مردم تا امروز جز این دو حرف را نمی دانند؛ و زمانی که قائم قیام کند 25 حرف دیگر را استخراج می کند و بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه می کند تا 27 حرف را منتشر فرماید.

از این روایت به خوبی روشن می گردد که گسترش علم و دانش در زمان ظهور امام مهدی (ع) فوق العاده و خارج از حدّ تصوّر ما خواهد بود.

امام باقر (ع) نیز در این زمینه چنین می فرماید:

اذا قام قائمنا وضع يده على روس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم". (اصول کافی، نوشته شیخ کلینی، جلد اول).

یعنی: وقتی که قائم ما ظهور کند، دست خود را بر سر مردم قرار می دهد، پس عقل های آنان متمرکز می شود و اخلاق و آرمانهای ایشان کامل می گردد.

در حدیث دیگری که راویان اهل سنت نیز به نقل از ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) روایت کرده اند، چنین آمده است:
"ابشركم بالمهدى يملأ الارض قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يرضى عنه سكان السماء والارض، يقسم المال صحاحاً، فقال رجل ما معنى صحاحاً، قال بالسوية بين الناس؛ و يملأ قلوب امة محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) غنى، و يسعهم عدله، حتى يأمر منادياً ينادى يقول من له بالمال حاجة فليقم فما يقوم من الناس الا رجل واحد". (نورالابصار فى مناقب آل بيت النبى المختار).

یعنی: شما را به مهدی (علیه السلام) بشارت می دهم، زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است، اهل آسمانها و زمین از او راضی خواهند بود و اموال را به نحو صحیح تقسیم می کند.

شخصی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟

آن حضرت فرمود: بطور مساوی برای همه مردم.

آنگاه چنین ادامه داد: دلهای پیروان محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) را پر از بی نیازی می کند، و عدالتش همه مردم را در بر می گیرد، به طوری که دستور می دهد کسی با صدای بلند ندا دهد: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد، ولی هیچکس بر نمی خیزد.

امام صادق (ع) در روایت دیگری می فرماید:

"انّ قائمنا اذا قام مدّ الله بشيعتنا فى أسماعهم و أبصارهم، حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید، يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو فى مكانه". (منتخب الأثر، به نقل از روضه کافی).

یعنی: هنگامی که قائم ما ظاهر شود، خداوند آنچنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنها و آن حضرت، نیاز به نامه رسان نخواهد بود، با آنها سخن می گوید و آنان هم سخنش را می شنوند و او را می بینند در حالی که او در مکان خویش است.

در روایت دیگری، امام جعفر صادق (ع) چنین می فرماید:
"انّ المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق سیری اخاه الّذی فی المغرب، و کذا الّذی فی المغرب یری اخاه الّذی بالمشرق". (همان منبع).
یعنی: انسان مؤمن در زمان ظهور قائم در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می بیند. همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق مشاهده می کند.

همچنین، امام صادق (علیه السلام) در این زمینه سخنی دارند که بدین شرح، روایت شده است:

"اذا قام القائم: حکم بالعدل، وارتفع الجور فی آیامه، و امنت به السبیل، و اخرجت الارض برکاتها، و ردّ کلّ حقّ الی اهله ... فحینئذ تظهر الارض کنوزها، و تبدی برکاتها، ولا یجد الرّجل منکم یومئذ موضعا لصدقته و لا لبرّه لشمول الغنی جمیع المؤمنین". (بحار، ج 13، چاپ قدیم).

یعنی: هنگامی که امام قائم ظهور کند: حکومت خود را بر اساس عدل و داد قرار می دهد، و بساط ظلم و جور در دوران او برچیده می شود، و جادّه ها امنیّت می یابند، زمین نعمت ها برکات هایش را ظاهر می سازد. و هر حقّی به صاحبش نائل می گردد.
در این هنگام، زمین گنج های خود را آشکار می سازد، و هیچکس، فرد مستمندی را برای انفاق و صدقه نمی یابد، زیرا در آن زمان، همه مؤمنان، بی نیاز خواهند بود.

مدّت حکومت امام مهدی

در خصوص مدّت زمان حکومت امام زمان (ع)، روایات مختلف و متعارضی وجود دارد. برخی از احادیث، دوران دولت آن حضرت را کوتاه مدّت (حدود هفت یا نوزده سال) می‌دانند، و بعضی دیگر از روایات، دوره مذکور را بیش از سیصد سال معرفی می‌نمایند. البته این احتمال وجود دارد که دوره کوتاه مدّت، مربوط به زمان حیات ایشان پس از قیام انقلاب جهانی باشد، ولی برهه های بلند مدّت، به مدّت زمان دوام دولتی که ایشان تاسیس می‌فرماید، اشاره داشته باشد. علامه مجلسی در جلد 51 و 52 کتاب بحار الانوار، برخی از احادیث یادشده را نقل نموده است.
